

بررسی عوامل مؤثر بر ریسک پذیری دانشجویان

ناهید الملوک محمودی، استادیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری*

حمید بهمن پور، استادیار دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی

ظاهره باسامی، کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد

چکیده

این تحقیق، مطالعه ای میدانی در مورد عوامل مؤثر بر ریسک پذیری دانشجویان است که با روش پیمایشی از طریق پرسشنامه، در سال ۱۳۸۶ به انجام رسیده است. حجم نمونه انتخابی ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های ایلام، و هدف کلی از تحقیق پی بردن به عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر میزان ریسک پذیری دانشجویان که بخش مهمی از جوانان این مرز و بوم را تشکیل می دهند، بوده است. چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر نظریه های شناخته شده از جمله نظریه گرایش فیش باین و آیزن، نظریه نظام اجتماعی گتزلز و نظریه خودتعیینی دسی و ریان است. در این تحقیق با توجه به موضوع و مسأله اصلی و نیز در چارچوب نظری آن، چهار فرضیه مورد آزمون قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از آزمون های آماری بکار رفته در این پژوهش، از فرضیه های مورد مطالعه نتایجی بدست آمد که حکایت از اهمیت وجود رابطه بین رفتار والدین از یک سو و رفتار همسالان از سوی دیگر، با ریسک پذیری دانشجویان دارد. طبق محاسبات انجام شده میزان ریسک پذیری دانشجویان، متوسط رو به بالا بوده است. از نقطه نظر جنسیت، این مقاله نشان می دهد که ریسک پذیری دانشجویان پسر بیش از دانشجویان دختر است. همچنین، نتایج بدست آمده حکایت از آن دارد که طبقه اجتماعی در ریسک پذیری دانشجویان تاثیری ندارد.

واژه های کلیدی: ریسک پذیری، طبقه اجتماعی، جنسیت، ارتباط والدین با فرزندان، ارتباط همسالان، جوانان

مقدمه

– دوران دانشجویی زمانی است که زندگی فرد تغییر می‌کند. فرد برای اولین بار از خانه دور می‌شود و خود تصمیم‌گیری می‌کند. دوستان جدیدی می‌یابد، در کلاسهای جدید شرکت می‌کند و به فعالیتهای نو می‌پردازد. در این سن، معمولا الکل، مواد مخدر، سیگار و رفتار جنسی از جمله رفتارهایی هستند که افراد با آن‌ها مواجه می‌شوند و به هر حال باید تصمیم بگیرند که در آن رفتارها شرکت کنند یا از آن‌ها دوری کنند. تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهند که در محیط دانشگاه این نوع رفتارها، عادی هستند و عوامل مختلف شخصی، اجتماعی و معرفتی می‌توانند بر آن‌ها تأثیر بگذارند. (Muuss and Proton, 1998: 422)

دختران و پسران ایرانی به طور متوسط در سنین ۱۱ تا ۱۳ سالگی به بلوغ جنسی می‌رسند و به طور میانگین در سنین ۲۶ تا ۲۸ سالگی اکثر آنها متاهل می‌شوند. سازمان ملی جوانان این فاصله سنی را که در کشور ما حدود ۱۵ سال است، دوره جوانی می‌نامد. (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۹۹) اگر چه برخی، آغاز جوانی را با شروع بلوغ همراه می‌دانند، اما بلوغ نیز در طول دوره‌های زمانی مختلف و نیز از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند (Viviane, 87 : 2000) درباره خطراتی که زندگی جوانان را تهدید می‌کنند، هنوز جای مطالعه زیادی وجود دارد و در این مورد باید خطرات به درستی شناخته شوند. با یک دید دقیق‌تر، به موضوع خطر از این جنبه توجه شده است که ریسک، ما را با یک فرصت و شرایطی توأم و مرکب از شکست و موفقیت مواجه می‌سازد. به هر حال درمقایسه با سایر تعاریف، شاید این بیان را بتوان از جمله کاملترین

تعاریف ریسک به حساب آورد (Damondaran, 2000: 2). ریسک پذیری رفتاری است که به موجب آن، فرد خود را در معرض آسیب جسمی، روانی و حتی مرگ قرار می‌دهد. پذیرش یک ریسک، قرار دادن خود در معرض یک آسیب یا زیان است به طوری که احتمال زیان وجود دارد (5 : Hardaker, 1997).

واژه خطر یا ریسک در ادبیات به معنای جسارت داشتن یا بروز رفتار یا تمایل به اقدام در جهتی با آینده‌ای نامعلوم است به نحوی که نمی‌توان نتایج آن را با اطمینان تشخیص داد. حداقل در بروز نتیجه دوگانه آن، یکی از نتایج احتمالی برای فرد بسیار مفید و سودمند و دیگری کاملاً زیان‌بار یا ترسناک خواهد بود (لیز کوک ۱۳۸۴: ۱۲۵). با روشن شدن جنبه‌هایی از موضوع، نکاتی که در مورد خطرپذیری از نظر جامعه‌شناختی و روانشناسی اجتماعی هنوز در پرده ابهام قرار دارد این است که چرا خطرپذیری افراد، گروه‌ها، اقشار و طبقات مختلف یکسان نیست؟ آیا خطرپذیری پیران در مقابل جوانان، مردان در مقابل زنان و برای مثال اغنیاء (طبقه مرفه) در مقابل فقراء (طبقه پایین) یکسان است؟ اگر خطرپذیری افراد با یک دیگر متفاوت است، کدام یک از عوامل فردی و اجتماعی بر ریسک‌پذیری آنان تأثیر بیشتری دارد؟

با توجه به موارد اشاره شده ضرورت و اهمیت تعیین عوامل موثر در ریسک‌پذیری از یک سو، و اهمیت چگونگی ارتباط خانواده‌ها با جوانان در جذب آنان در کانون خانواده، و جلوگیری از بروز انحراف و زیان‌های ناخواسته فردی و اجتماعی، در این مقاله موضوع ارتباط والدین و همسالان و تأثیر آن بر خطرپذیری دانشجویان و نیز

رابطه جوانان با والدین، و چگونگی ارتباط آنان با گروه های همسالان از جمله عواملی است که در وسوسه و انجام اعمال خطرناک توسط جوانان تأثیر زیادی دارد. بنابراین، والدین و همسالان دو گروهی هستند که بر خطرپذیری جوانان تأثیر بسزایی دارند (Sim, 2000:49-64) و در این مقاله کوشش می شود رفتار آنان مورد مطالعه قرار گیرد.

جوانان به دلیل انتظارات و ناکامی های گسترده خود آماده هر نوع رفتار اجتماعی پر خطراند، بنابراین، باید برخی از عوامل تأثیرگذار در رفتار جوانان که تاکنون مورد مطالعه کمتری قرار گرفته اند، بیشتر بررسی شوند.

تحقیقات نشان می دهند که جوانان نسبت به سایر گروه های سنی در معرض خطرات بیشتری هستند. حداقل یک چهارم از جوانان آمریکا نسبت به تعداد زیادی از رفتارهای خطرناک آسیب پذیرند و رفتارهای خطرناکی دارند که می توانند پیامدهای منفی و اثرات زیانباری داشته باشند. در واقع مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، فعالیت های جنسی بدون کاندوم و استفاده غیرمجاز از وسایل نقلیه موتوری نمونه های رفتارهای بیمارگونه ای هستند که در اوایل جوانی آغاز می شوند (Irwin & Millstein 1986a: 82-92). هم چنین، به دلیل تغییرات زیستی، حس کنجکاوی جوانان در این دوره به حداکثر می رسد. (Zuckerman, 1994: 209) این تغییرات زیستی و اجتماعی فرصت هایی را برای جوانان فراهم می کنند تا مرتکب رفتارهای واقعاً خطرناک شوند (Millstein & Irwin, 1993: 265).

در واقع، سوال اصلی در این نکته است که کدام یک از عوامل اجتماعی بر ریسک پذیری دانشجویان تأثیر بیشتری دارند؟ هم چنین، با توجه به متون مطالعات اجتماعی به ویژه مطالعات زنان، هنوز این پرسش حائز

اثر جنسیت و طبقه اجتماعی بر ریسک پذیری آنان مطالعه خواهد شد.

در بخش نخست، ابتدا مسئله پژوهش توضیح داده می شود، آن گاه ضمن تشریح پیشینه تحقیق به حدود و ثغور موضوع و نتایج آن تاکنون، اشاره می کنیم. در بخش های بعدی، به روش تحقیق، مبانی نظری و الگوی انتخاب شده به منظور آزمون تجربی فرضیه ها خواهیم پرداخت. در بخش پایانی، یافته ها و نتایج به همراه پیشنهادها و توصیه های کاربردی از نظر خواهد گذشت.

بیان مسأله

امروزه به طور فزاینده ای جوانان رفتارهای ریسک پذیر از خود بروز می دهند. از یک سو، دوره جوانی که خود یک دوره گذار محسوب می شود، و خصوصاً رسیدن به سن بلوغ که لازمه اش تعامل با والدین، نهادهای آموزشی، همسالان و داشتن تواناییهای عاطفی و شناختی است، در بین نظریه های اجتماعی جایگاه ممتازی دارد. از سوی دیگر، از ویژگیهای بارز این دوره افزایش خطرپذیری جوانان است. مثال هایی که از خطرپذیری می توان عنوان نمود بی دقتی و رفتارهای غیرمعمول در رانندگی، کنجکاوی در استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی، بی احتیاطی در روابط جنسی، بی نظمی های غذایی، عصیان و سرکشی در رعایت قوانین و مقررات، ارتکاب جرم، قتل، خودکشی و انجام ورزشهای خطرناک است که در منابع اجتماعی، هریک مورد بحث قرار گرفته اند. (Muuss & Proton, 1998: 422-443)

شواهد و مطالعات نشان می دهند که ریسک پذیری از دوره کودکی شروع می شود و در ایام جوانی به اوج خود می رسد. (Keren & Hasida, 2007: 1-14)

اهمیت است که آیا قبول خطرات و ریسک پذیری در زنان و مردان متفاوت است یا خیر؟ از آن گذشته، با وجود مطالعاتی که در خصوص طبقات اجتماعی و آثار آن در رفتار و کنش‌ها و واکنش‌های افراد به انجام رسیده است، تا جایی که گفته‌اند «طبقه» عامل تاریخی و مسئول پویای تاریخ و تعیین‌کننده‌ی رفتارها، احساسات، اندیشه‌ها، و نگرش افراد و روابط اجتماعی آنان است. طبقات افراد را به مقوله‌های اجتماعی تقسیم می‌کند و این تقسیم‌چنان اساسی است که روابط افراد، نوع زندگی و سرنوشت آنان نیز تابع آن است. اهمیت طبقه از آن جهت است که اعضای طبقه اجتماعی را و می‌دارد تا به عقاید مشترک و کنش‌های مشترک دست یابند (Bendix, 1967:8) ولی هنوز این نکته در پرده ابهام قرار دارد که آیا طبقه اجتماعی در ریسک‌پذیری دانشجویان یا جوانان تاثیر دارد یا خیر؟ با مطالب ارائه شده در این مقاله تلاش خواهد شد تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

آیا چگونگی ارتباط والدین با فرزندان خود، در ریسک‌پذیری آنان موثر است؟

آیا ارتباط همسالان در ریسک‌پذیری آنان تاثیر دارد؟

آیا جنسیت در ریسک‌پذیری موثر است؟

آیا طبقه اجتماعی در ریسک‌پذیری موثر است؟

پیشینه تحقیق

برانفن برنر و همکاران او، برای توضیح و تأثیر محیط بر فرد، نظریه سیستم‌های اکولوژیکی را ارائه داد. این سیستم شامل چهار لایه است: میکروسیستم، فروسیستم، اکوسیستم و ماکروسیستم (Bronfenbrenner &... 1028 - 993: 1998 هر چند که زندگی نوجوانان با

تمام این لایه‌ها درگیر است اما مؤثرترین سیستم، در این دوره میکروسیستم است که معمولاً شامل خانواده و دوستان می‌شود. جوانان در این دوره، هم از لحاظ بیولوژیکی و هم از لحاظ اجتماعی تغییر می‌کنند و در این دوره میکروسیستم هم سن و سالان مؤثرتر است. در این دوره نظر همسالان برای نوجوانان خیلی مهم است. همان طوری که شرایط ارتباطی تغییر می‌کند، بافت جامعه‌ای که نوجوانان وقت خود را در آن می‌گذرانند نیز تغییر می‌کند (Holmbeck & ... 1994:169-193) مدت زمانی که نوجوانان در اوایل دوره نوجوانی با همسالان خود می‌گذرانند خیلی بیشتر از مدت زمانی است که آنان با والدین و دیگر اعضای خانواده خود می‌گذرانند (Larson, 1978: 677 - 693) از آن گذشته، ارتباط نوجوانان با همسالان بر روی تصمیم‌های آنان خیلی مؤثر است. نیاز به دوستی نزدیک و صمیمی مخصوصاً در اوایل دوران نوجوانی بسیار قوی است. جوانان بیشتر تحت سلطه و فشار همسالان خود هستند و بیشتر نیاز دارند که به جای بزرگترها مورد پذیرش همسالان خود قرار بگیرند

(Berndt, 2002: 7-11) در نتیجه طی دوره بلوغ، اهمیت همسالان بیشتر و نیاز به والدین کمتر می‌شود. لذا اکثر مدل‌های رفتاری آن‌ها از طریق شبکه دوستان است (Steinberg 2002: 124-128)

الگو سازی نوجوانان از هم سن و سالان یک عمل دوسویه است و همسالان به صورت دوطرفه از هم دیگر تأثیر می‌گیرند. (Berndt, 1992: 170 - 174) مطابق تئوری یادگیری اجتماعی باندورا (۱۹۷۷) افراد رفتارها را با مشاهده رفتار دیگران یاد می‌گیرند (Bandura 1977: 187) به عنوان مثال در مطالعه‌ای توسط دی آمیکو و فرام نشان داده شده است که جوانان با مشاهده مصرف الکل

بیشتر مطالعات انجام شده در داخل کشور در زمینه ریسک پذیری مالی اقتصادی است و در این مورد برای حوزه فرهنگی و اجتماعی کمتر اهمیت قائل شده اند. در ارتباط با این موضوع، مهمترین کار صورت گرفته پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی میزان خطرپذیری در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل مؤثر بر آن» است که رابطه ریسک پذیری را با متغیرهای جنسیت، انگیزه پیشرفت، نوجویی، مسئولیت پذیری و میزان رضایت مورد آزمون قرار داده و نتیجه گرفته که خطرپذیری دانشجویان پسر به طرز معناداری بیشتر از خطرپذیری دانشجویان دختر بوده است (علی نظری، ۱۳۷۸).

در مطالعات اخیر، رفتار پر خطر به دو گروه تقسیم می شود:

۱) رفتار پر خطری که به صورت عمد، دیگران را با مشکل مواجه می کند.

۲) رفتار پر خطری که بیشتر خود فرد را قربانی می کند. در منابع مربوط به رفتارهای پر خطر، پنج نوع رفتار از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار شده اند که آنها عبارت اند از: الف) رفتار ضد اجتماعی ب) رفتار پر خاشگری پ) رفتار او باشی گری ت) رفتار تخریب گری ث) رفتار بزهکاری (ماهر، ۱۳۸۳: ۱۴۴ - ۱۱۸).

از دیدگاه بردلی و ویلدمن (۲۰۰۲)، رفتار پرخطر به رفتاری گفته می شود که از نظر اجتماعی پذیرفته شده است و به صورت بالقوه نتایج منفی دارد مانند اسکی روی آب و پرش از ارتفاع. (Bradley, 2002, 253-265) در مقابل، بنتین، اسلوئیک و سورمین (۱۹۹۳) بین رفتار پرخطر که از لحاظ اجتماعی پذیرفته شده و رفتار

توسط بزرگترها، دست به این عمل می زنند. از آن جا که جوانان بیشتر وقت خود را با دوستان نزدیک خود می گذرانند، تمایل دارند نظر آن ها را در رابطه با رفتار خطرناک به خود جلب کنند. (Oetting, 1987: 205 - 231) در مورد رفتار خطرناک که موضوع اصلی این مقاله است باید تاکید نمود که رفتار خطرناک عملی است که در آن ضرر بالقوه ای وجود داشته باشد که طبعاً قابلیت تبدیل به ضرر بالفعل را دارد. (Beyth &..., 1993: 749 - 563) ایروین و میلستین (۱۹۹۱) مخاطره جویی را این گونه تعریف می کنند: مخاطره جویی یک عمل ارادی است که به صورت بالقوه می تواند هم پیامد مضر و هم پیامد غیر مضر داشته باشد (Irwin & Millstein, 1991: 3 - 39) از سوی دیگر، استقلال طلبی و خودمحوری برای رشد احساسی و اجتماعی نوجوانان لازم و ضروری است. اشتین برگ (۱۹۸۱) نشان داد که نیاز به مستقل شدن پس از بلوغ افزایش می یابد. دیدگاه روانشناسی اجتماعی تاکید دارد که توسعه هویت در طول دوره نوجوانی با جدا شدن از پدر و مادر و ورود به دنیای همسالان، همراه است (Langer, 1996: 64) افزایش استقلال در جوانان با افزایش ریسک پذیری و بیشتر شدن ارتباط با همسالان همراه است. (Donovan & ..., 1985: 890 - 904) علامت و نشانه جوانی تصمیم گیری های مستقل بدون کمک و حمایت والدین است. جوانان به تدریج قادر به تصمیم گیری می شوند و خصوصیات آن ها تغییر می کنند و والدین مانند دوران بچگی روی آن ها تأثیر ندارند. کم کم جوانان بیشتر وقت خود را دور از والدین می گذرانند و بر روی ارتباط با همسالان تأکید بیشتری دارند (Miller, 1993: 73 - 80)

هانس وبرویک (۲۰۰۱) رابطه بین احساس گرایسی و خطرپذیری را در بین جوانان بررسی کرد. تحقیق با عنوان احساس گرایسی به عنوان پیش بینی ریسک مثبت و منفی در بین جوانان انجام گرفت، به طوری که فعالیت‌هایی مثل کوهنوردی و قایق سواری ریسک پذیری مثبت، ارتکاب جرم و رفتارهای نامعقول اجتماعی مثل دزدی از مغازه‌ها و استفاده از مواد مخدر، ریسک پذیری منفی تلقی شدند. نتیجه مطالعه این بود که بین ریسک منفی و ارتباط والدین همبستگی منفی مشاهده شد به این معنی که ارتباط ضعیف والدین منجر به ریسک منفی در بین جوانان می‌شود.

در پایان این بخش به مطالعه (یورسون و راندمو ۲۰۰۲) اشاره می‌کنیم که با عنوان شخصیت، رانندگی خطرناک و تصادف در بین رانندگان نیروژی، آن‌ها دریافتند بین احساس گرایسی و ناهنجاری از یک سو و رانندگی خطرناک از سوی دیگر، رابطه مثبتی وجود دارد.

مبانی نظری

در مورد اختیاری و جبری بودن اعمال و رفتار انسان دو دیدگاه مهم وجود دارد. دیدگاهی که اعتقاد دارد انسان در مسیر یک پویا و حرکت، بر رفتار خود کنترل دارد و از آزادی انتخاب برخوردار است و سلطه یک طرفه محیط را نمی‌پذیرد، بلکه آن را تا حدودی به نفع خود تحت نفوذ قرار می‌دهد. (پاترسون ۱۹۷۴) در مقابل، طرفداران مکتب رفتارگرایی مانند واتسون، ژورن‌دایک و اسکینر به عامل جبر بیرونی و شرایط اجتماعی بیشتر تاکید می‌ورزند و عوامل محیطی را تعیین کننده رفتار می‌دانند. این مکتب انسان را تحت کنترل پاداش‌ها و تنبیه‌های بیرونی قرار می‌دهد که در اثر یادگیری یعنی تداومی، تقلید و تقویت به صورت عادت در ما ایجاد می‌شوند و

پرخطری که از لحاظ اجتماعی پذیرفته نشده اند تفاوت گذاشته اند، اما از اصطلاح رفتارهای پرخاطر برای هر دوی آنها استفاده کرده اند. (Benthin &... , 1993 : 153-168)

در مطالعه دیگری، دورتی و همکاران (Doherty : 115 , 2004) به بررسی رفتار خطرناک پرداخته اند به طوری که مصرف الکل، استعمال مواد مخدر، رفتار تهاجمی و رفتار نامشروع به عنوان رفتار پرخاطر شناخته شده اند. در سال ۱۹۹۵، مرکز کنترل بیماری در امریکا (CDC)، بررسی خطرات سلامتی را در بین ۱۴۸ دانشکده و دانشگاه انجام داد. این تحقیق به منظور تعیین شیوع رفتار پرخاطر و تغییر آن در طول زمان انجام شده است که نقش بسزایی در جلوگیری از مرگ در بین جوانان داشته است. (Douglas &... , 1997: 55 -66)

مطالعات مربوط به دانشجویان تا حد زیادی قابل انطباق بر نتایج مطالعات مربوط به جوانان است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، دوره جوانی، به دلیل شیوه رفتاری و نگرش خاصی در جوانان اهمیت زیادی دارد. افرادی عقیده دارند که بنیان اجتماعی جوانان تحت تاثیر ساخت‌های اجتماعی مانند خانواده، نهادهای آموزشی، گروه‌های همسال و نهاد دین قرار می‌گیرد. (شفرز، ۱۳۸۳: ۱۳۷) در سایر مطالعات، مارگارت مید، انسان‌شناس معروف امریکایی دوره جوانی را دوره ای می‌داند که با دو ویژگی خاص مشخص می‌شود؛ انتظارات گسترده از یک سو و ناکامی‌های عمیق از سوی دیگر. دوره ای که هنوز دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی و روانی کامل نشده اند. این دوره و نقش آن در افزایش یا کاهش خطر بستگی به رفتار واقعی و نگرش افراد و گروه‌های مرجع دارد. (شفرز: ۱۳۸۳: ۲۵).

لذا اعمال و رفتار انسانی تحت کنترل عوامل خارجی قرار دارد.

روانشناسی اجتماعی هم طرفدار تأثیرپذیری انسان است. گوردون الپورت (۱۹۶۱) با قبول نسبی نظریه رفتارگرایان به مفهوم مقابل آن نظریه چنین اشاره می کند: «انسان در فرآیند شدن موجودی آفریننده، با شعور و آینده ساز و در نتیجه وی قادر است رفتار خود را کنترل کند و سرنوشت خود را بسازد» (نیکزاد، ۱۳۸۴: ۱۰۶).

نظریه مبادله بر این فرض استوار است که افراد آرزوها و هدف های شخصی روشنی برای خود دارند. هدف ها و خواسته های شخصی و منحصر به فرد افراد، انگیزه های خود خواهانه ای به آنان می دهد. یکی از پایه های اصلی نظریه مبادله «پاداش» است، یعنی در این نظریه به دنبال پاداش های مشترکی هستند که با اراده و خصوصیات فردی انسان ها همخوانی داشته باشند. از آن جمله به «تأیید اجتماعی» اشاره می کنند که مردم در زندگی روزمره خود در جستجوی «مطلوب واقع شدن» هستند و از آن در روابط اجتماعی خود لذت می برند (اسکیدمور ۱۳۷۲: ۸۳). از این رو، «تأیید اجتماعی» را به عنوان عام ترین پاداش که افراد در رفتارهای خود تحت تأثیر آن قرار می گیرند می توان از این نظریه به عاریت گرفت و در زمینه خطرپذیری آن را آزمون کرد.

هربرت سایمون در تئوری منطق محدود می گوید افراد به جای آرمان گرایانه و کامل تصمیم گرفتن، غالباً تصمیمی می گیرند که متناسب با هدف ها و خواسته های مورد نظرشان باشند. به عبارت دیگر، آن ها راه حل یا نخستین راه حل رضایت بخش را که می یابند، می پذیرند ولی در نظر آنان، چنین راه حلی باید منافع شان را به حداکثر برساند. (استونر و فری من، ۱۳۷۵: ۵۵۸)

ماکس وبر عقیده دارد که رفتار ممکن است رفتار معطوف به هدف، رفتار مربوط به ارزش، رفتار انفعالی عاطفی و رفتار انفعالی سنتی باشد. (ماکس وبر، ۱۳۶۸:

۷۲-۷۱) او در مقام تشخیص میان رفتار معطوف به هدف که بر اساس وسایل و شرایط بیرونی به سوی هدف معین جهت گیری شده است، با سایر انواع رفتار می گوید که در سایر انواع رفتار معنای رفتار نه در رسیدن به هدفی خارج از آن بلکه در پرداختن به نوع خاصی از رفتار به خاطر نفس آن نهفته است. رفتاری که به طور انفعالی صورت می گیرد، از آن نوعی به شمار می رود که ارضاء فوری یک انگیزش را اعم از متعالی یا پست طلب می کند تا از این رهگذر فرد به گرفتن انتقام، ترضیه نفس و رسیدن به حالت خلسه سعادت‌مندانه نائل آید. به عنوان نمونه ای از کردار مربوط به ارزش محض می توان از رفتار کسانی نام برد که برحسب اعتقادشان هر آن چه را که وظیفه شرف و افتخار، تعصب مذهبی و پارسایی است، جامه عمل بپوشانند. (ماکس وبر ۱۳۶۸: ۷۳)

از جمله مواردی که در زمینه خطرپذیری می توان به آن ها اشاره کرد، تمایل افراد به خطرپذیری تنها به دلیل ارضاء حس کنجکاوی، تخلیه هیجانات، عادت دیرینه سنتی، ارزشمند بودن آن و مواردی از این قبیل آن هم صرفنظر از پیامدها و نتایج خوب یا بد آن است.

جورج هومنز پنج گزاره مبادله ای شامل گزاره محرک، گزاره موفقیت، گزاره ارزش، گزاره محرومیت و گزاره عدالت توزیعی را مطرح می کند که گزاره هایی درباره انگیزه و روش های پاسخگویی مردم به محیط شان هستند (هومنز به نقل از اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۹۱). از بین گزاره های فوق گزاره موفقیت را که تناسب بیشتری با موضوع بحث اخیر دارد، به این معنی در نظر می گیرد که در میان تمام کنش های یک فرد اگر کنش خاصی بیشتر پاداش بگیرد، احتمال بیشتری وجود دارد که فرد همان کنش را تکرار کند (هومنز به نقل از اسکیدمور، ۱۳۷۲:

۹۳). اگر به همین گزاره استناد کنیم، می توانیم به نقش و تأثیر محیط اجتماعی در کنش فرد پی ببریم زیرا فرد در خلأ کنش نمی کند و پاداش خود را از محیط اجتماعی

هرحوزه ای به صورت یک نظام مفروض در نظر گرفته می شود و نباید با مفهوم جامعه اشتباه شود. به زعم گتزلز، هر رفتاری که در یک نظام اجتماعی رخ می دهد و برای چنین نظامی هم مرز و حدود عینی و مشخصی قابل نشده است. می توانیم یک نظام اجتماعی را شامل نهادها و سازمان هایی با نقش ها و انتظارات معین که هدفهای نظام را تحقق می بخشند در نظر بگیریم و از سوی دیگر افرادی که با شخصیت های معین و گرایش های مشخص در آن نظام زندگی می کنند و با نهادها در تعامل اند. (کریمی، ۱۳۷۳: ۱۰). در تعریف نقش به سه عنصر نقش، سازمان و انتظارات که در مدل نظری گتزلز به عنوان بعد هنجاری تعیین کننده رفتار ذکر شده اند، اشاره شده است. مکانیسم تأثیر گذاری این عناصر بر رفتار فرد به این ترتیب است که نظام های اجتماعی به صورت نهادها یا سازمان هایی هستند که نقش هایی در درون آن ها وجود دارد و در هر نقش یک مجموعه از انتظارات وجود دارد که بر رفتار فردی که آن نقش را تصدی کرده است، تأثیر می گذارند. عناصر چهارچوب نظری گتزلز را می توان در مدل یا نمودار زیر نشان داد:

دریافت می کند. یعنی این امر پرداختن به نظریه ای را ایجاب می کند که هم به تأثیر ویژگی های شخصی و هم به شرایط اجتماعی توجه داشته باشد (علی نظری، ۱۳۷۸: ۲۷).

در نظریه خودتعیینی که توسط دسی و ریان مطرح شد، درباره رفتار این گونه توضیح می دهد که رفتار آگاهانه افراد به دو دسته رفتار مستقل و رفتار کنترل شده تقسیم می شود:

در رفتار مستقل، فرد با توجه به آن چه که تشخیص می دهد عملی را انجام می دهد ولی در رفتار کنترل شده فرد تحت تأثیر عوامل دیگر مرتکب انجام عملی می شود؛ به عبارت دیگر رفتارهای انسان تحت تأثیر انگیزه های درونی یا انگیزه های بیرونی قرار دارد (Ryan & Deci, 2000: 68-78).

گتزلز، (Getzels) با الهام از مفهوم نظام اجتماعی پارسونز و ذکر خصوصیات آن، نظریه ای در باب رفتار ارائه داده است که بیشتر در زمینه روان شناسی اجتماعی و رفتارشناسی کاربرد دارد و تحقیقات تجربی متعددی از این نظریه در کارهای خود یاری جسته اند. وی برای توضیح نظریه خود با مفهوم نظام اجتماعی آغاز کرده است که در



الگوی نظری - نظام اجتماعی گتزلز

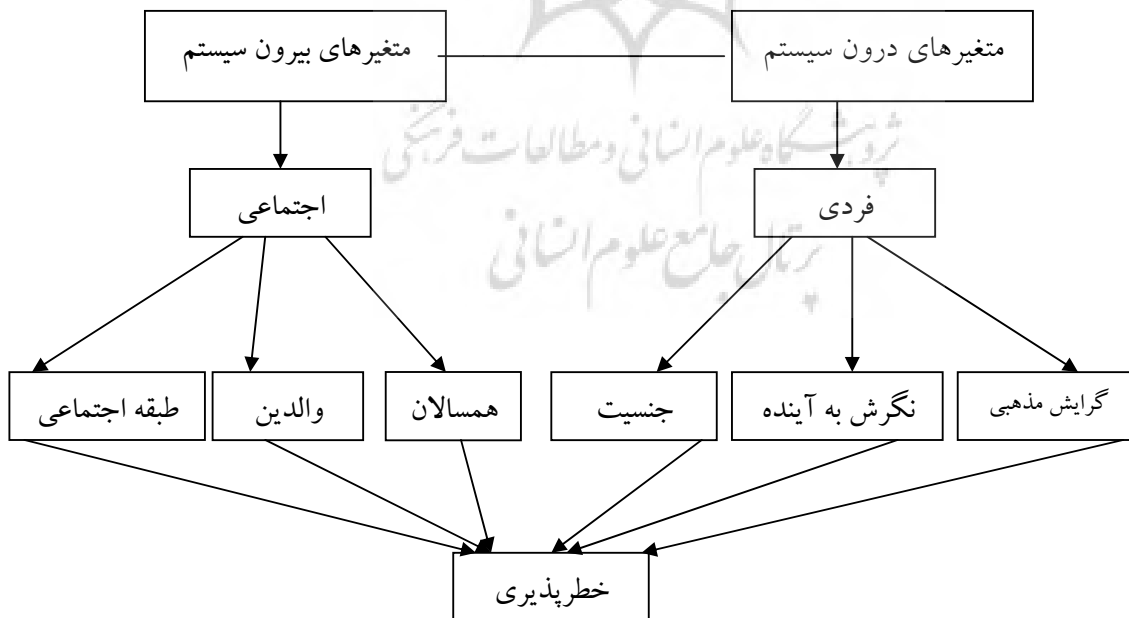
رفتار اجتماعی نه فقط تابعی از انتظارات هنجاری، بلکه تابعی از گرایش های خاص است که این دو ممکن است بر هم منطبق نشوند. همان گونه که بعد سازمانی به عناصر جزئی تر نقش و انتظارات تجزیه می شود، می توان بعد فردی را به عناصر فرعی شخصیت یا وجه پویای هر فرد و گرایش وی تجزیه کرد که واکنش های او را در برابر محیط و انتظارات اداره می کند (همان: ۱۲-۱۳).

فیش باین و آیزن در پی یافتن یک تئوری برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می کنند. به نظر آنان رفتار در پی زنجیره ای از عوامل بوجود می آید. حلقه ماقبل بروز رفتار، قصد و نیت به انجام یک رفتار است و قصد و نیت هم به نوبه خود تابع دو متغیر دیگر است: متغیر اول «گرایش به سوی آن رفتار» که یک متغیر فردی و شخصی است و طی آن فرد انجام یک رفتار را از نظر خود خوب یا بد ارزیابی می کند. متغیر دوم (هنجار

ذهنی) نفوذ و فشار اجتماعی را روی شخص برای انجام یک کاریا رفتار منعکس می کند. هنجار ذهنی خود به دو عامل تجزیه می شود، انتظار آن که یک رفتار خاص از سوی دیگران چگونه ارزیابی شود، و انگیزه فرد برای پیروی از انتظارات دیگران. (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۹-۱۱)

در یک مقایسه میان تئوری نظام اجتماعی گتزلز و تئوری گرایش فیش باین و آیزن در می یابیم که هر دو برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر رفتار به دو دسته عوامل فردی و اجتماعی رسیده اند که در نظریه اول، تحت عنوان بعد هنجاری و بعد شخصی و در نظریه دوم، تحت عنوان هنجار ذهنی و گرایش مطرح شده اند. اگر چه هر دو نظریه به عوامل یکسانی در تبیین رفتار اجتماعی اشاره کرده اند، اما طرح هر دو در این مقاله از جهت یافتن متغیرها و مواردی که در عمل بتوان آن ها را برای تبیین خطر پذیری به کاربرد، ضروری تشخیص داده شد.

الگوی کلی تبیین مسئله



چارچوب نظری مقاله حاضر به دلیل ماهیت موضوعی، ترکیبی از چند نظریه است. برای تبیین ریسک پذیری افراد دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است که بنیان اصلی این مقاله بر نظریه گتزلز قرار دارد.

روش تحقیق

در این مقاله با استفاده از روش اسنادی، پس از مطالعه پیشینه تحقیق، تبیین مسئله و تعیین عوامل موثر در آن براساس الگوی نظری پژوهش، تلاشی منظم برای جمع آوری داده‌ها صورت پذیرفته است.

همان طوری که در تعریف نظام اجتماعی ذکر شد، در تحقیق حاضر، بررسی خطرپذیری دانشجویان را تنها به نقش دانشجویی آنان محدود نمی‌کنیم بلکه قصد داریم این موضوع را در ارتباط با مجموعه نقش‌هایی که آنان در زندگی ایفا می‌کنند، بررسی کنیم. لذا، محدوده نظام اجتماعی را وسیع‌تر در نظر گرفته و شبکه روابط اجتماعی و انتظارات را مبتنی بر نقش‌های مختلفی که یک دانشجو در مجموعه‌ای از پایگاه‌های اجتماعی مانند پایگاه شغلی، پایگاه خانوادگی، پایگاه تحصیلی ایفا می‌کند، تعیین می‌کنیم.

جدول شماره ۱- جامعه آماری دانشجویان به تفکیک دانشگاه و جنسیت

دانشگاه	دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه ایلام	دانشگاه پیام نور	دانشگاه علوم پزشکی	دانشگاه جامع علمی-کاربردی	جمع کل	
						جنسیت	زن
زن	۲۵۵۶	۲۸۳۸	۲۹۵۴	۱۱۵۰	۲۰۰	۹۶۹۸	
مرد	۳۰۱۵	۲۶۲۳	۱۷۸۶	۱۰۵۰	۶۰	۸۵۳۴	
جمع	۵۵۷۱	۵۴۶۱	۴۷۴۰	۲۲۰۰	۲۶۰	۱۸۲۳۲	

با توجه به نوع جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، روش پژوهش حاضر پیمایشی است. به منظور تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران که به طریق زیر محاسبه شده است: (رفیع پور، ۱۳۶۷، ۳۸۲)

$$n = \frac{T^2 pq}{1 + \frac{1}{N}(T^2 pq - 1)}$$

$$N=18000 \text{ و } t=2, q=0/5, p=0/05, d=0/05 \text{ درجه اطمینان}$$

$$n = \frac{\frac{4(0/025)}{(0/0025)}}{1 + \frac{1}{18000}(\frac{4(0/025)}{(0/0025)} - 1)}$$

به ترتیب خاصی تدوین شده اند، ساخته می شود. این عبارات حالات خاصی از پدیده مورد اندازه گیری را به صورت عبارتی که از لحاظ ارزش اندازه گیری دارای وزن مساوی است، عرضه می کند. در این پرسشنامه پنج سطح متفاوت، با پنج عبارت مشخص شده اند که رتبه آن ها به ترتیب از یک تا پنج در نظر گرفته شده است. (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۵۴)

لازم بود نمونه تصادفی به تعداد ۳۷۰ عضو جمع آوری و مطالعه شود. پس از تدوین، توزیع و جمع آوری پرسشنامه ها و نیز صرف نظر کردن از موارد ناقص که امکان تحلیل آن ها وجود نداشت، مجموعاً تعداد ۳۸۶ پرسشنامه کامل، جمع آوری و مورد بررسی قرار گرفت. هم چنین، به منظور اندازه گیری متغیرها براساس نظر پاسخ دهندگان در پرسشنامه ها از مقیاس لیکرت استفاده شده است، این مقیاس با مجموعه ای منظم از عبارات که

جدول شماره ۲- نمونه تصادفی انتخاب شده به تفکیک دانشگاه و جنسیت

دانشگاه	دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه ایلام	دانشگاه پیام نور	دانشگاه علوم پزشکی	دانشگاه جامع علمی- کاربردی	جمع کل	
						جنسیت	
زن	۵۶	۶۲	۶۴	۲۵	۴	۲۱۱	
مرد	۶۶	۵۸	۴۰	۲۳	۲	۱۸۹	
جمع	۱۲۲	۱۲۰	۱۰۴	۴۸	۶	۴۰۰	

مشاهده نمی شوند. در محاسبات انجام شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها، از بسته رایانه ای SPSS استفاده شد. در بررسی فرضیه ها بنا به ضرورت با استفاده از روش های آماری، آزمون میانگین متغیرها و تجزیه واریانس، در مورد صحت و سقم آزمون فرضیه ها استنتاج شده است.

اعتبار یا روایی (Validity)

اعتبار یا روایی به صورت های مختلف به دست می آید، از جمله اعتبار صوری و اعتبار تجربی. در این تحقیق از اعتبار صوری استفاده شده است. فایده این روش آن است که تحقیق به همان نسبت به شاخص های درست دست می یابد که تا حد امکان، فارغ از ارزش های خاص محقق

در این مقاله، جامعه آماری تمام دانشجویان دانشگاه های ایلام شامل دانشگاه ایلام، دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور و دانشگاه جامع علمی کاربردی است. نمونه تصادفی به صورت خوشه ای چند مرحله ای، ابتدا با تفکیک دانشجویان برحسب دانشگاه و جنسیت و سپس انتخاب آن متناسب با تعداد دانشجویان هر دانشگاه، برگزیده شده است.

با توجه به گستردگی تحقیق و عدم امکان ارائه تمام اطلاعات، مفاهیم و نتایج کار در یک مقاله، فقط بخشی از آن در این مقاله ارائه خواهد شد. بنابراین، به منظور حفظ پیوستگی مفاهیم، الگوی نظری به طور کامل ارائه شده است، هر چند که تمام اجزاء آن در آزمون فرضیات

می‌شود که هر یک از آن‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد زیر استفاده شده است.

سؤالات مربوط به ریسک از پرسشنامه گالون و مور (Adolescent Risk Questionnaire, ARQ) و پرسشنامه فروم و همکاران با سؤالات مربوط به نگرش افراد به آینده و حال (Cognitive Appraisal of Risky Event Questionnaire, CARE) و پرسشنامه زیمباردو، (Zimbaro Tim Perspective Inventory, ZTPI) و نیز سؤالات مربوط به ارتباط والدین و همسالان از پرسشنامه آرمسدن و گرین برگ (Inventory of Parent and Peer Attachment, IPPA) استخراج شده‌اند.

اعتماد یا پایایی (Reliability)

است و خود، واقعیت را آن‌طور که هست به سنجش و ارزشیابی می‌نهد (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۳۹). به همین منظور گویه‌های مناسب را از پرسشنامه‌های استاندارد و تحقیقات پیشین که زیر نظر اساتید مجرب استفاده شده‌اند، استخراج و مورد استفاده قرار داده ایم و در نهایت پرسشنامه طرح شده را به متخصصان و اهل فن نشان داده و از نظرات آن‌ها برای اصلاح پرسشنامه مدد گرفته ایم. در این مقاله اعتبار پرسشنامه مورد استفاده به استناد استاندارد بودن آن بدست آمده است. این پرسشنامه دارای دو بخش، شامل اول، اطلاعات فردی و حاوی ۲۲ سؤال در خصوص جنس، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، سن، افراد خانواده پدری، میزان تحصیلات پدر و مادر، محل زندگی، در آمد، مسکن و سایر امکانات است و دوم، سؤالات مربوط به بخش فرضیه‌ها و شامل ۷۴ سؤال

جدول شماره ۳- قابلیت اعتماد یا روایی ابزارهای سنجش

نام مقیاس	مرحله مقدماتی		مرحله اصلی	
	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	تعداد گویاها	آلفای کرونباخ
خطر پذیری دانشجویان	۴۵	۰/۸۹	۳۶	۰/۹۲
ارتباط همسالان	۱۵	۰/۶۳	۱۰	۰/۸۳
ارتباط والدین	۱۴	۰/۶۹	۱۲	۰/۸۰
طبقه اجتماعی	۲۴	۰/۵۴	۱۹	۰/۸۱

پرسشنامه حداکثر و حداقل امتیاز کسب شده به ترتیب ۲۶ و ۱۰ بوده است. هم‌چنین، درمورد متغیر ارتباط دانشجویان با والدین خود با توجه به تعداد گویه‌های مثبت و منفی در هر پرسشنامه حداکثر و حداقل امتیاز کسب شده به ترتیب ۱۶ و ۸ کسب شده است. در این مقاله متغیر وابسته، خطرپذیری دانشجویان است که به صورت زیر تعریف می‌شود:

به طور نظری، منظور از خطرپذیری، آمادگی فرد برای قرار گرفتن در موقعیتی است که امکان خطر یا ضرر دارد. ولی، تعریف عملیاتی آن در جداول شماره ۴ و ۵ و ۶ ارائه شده است.

پس از تدوین و تعیین پرسشنامه، برای تأمین پایایی آن در دو مرحله مقدماتی و نهایی آلفای کرونباخ طبق جدول شماره ۳ محاسبه گردید که میانگین پایایی یا اعتماد شاخص‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۳٪ بدست آمده است. مقدار آلفای کرونباخ برای هر کدام از مقیاس‌ها بیش از ۷۰٪ نشان دهنده آن است که گویه‌های هر مقیاس با دقت بالایی، آن را اندازه‌گیری می‌کند.

مقیاس و متغیرهای تحقیق - مقیاس در نظر گرفته شده به این صورت است که در خصوص متغیر خطرپذیری دانشجویان با توجه به تعداد گویه‌های مثبت و منفی در هر

جدول شماره ۴- تعریف عملیاتی خطر پذیری

متغیر تابع	گروه ها	معرف ها
خطر پذیری	کجروی از هنجارها	تقلب در جلسه امتحان- نوشتن مطلب در اماکن و وسایل عمومی
	رفتارهای بدون برنامه	شرکت در امتحان بدون آمادگی- تصمیم گیری قبل از تفکر
	ماجراجویی	رانندگی با سرعت زیاد- انجام ورزش های خطرناک
	ترس	قطع ارتباط به علت ترس از طرد شدن- احتیاط در ضمانت هر فرد
	پذیرش نوآوری	پذیرش شغل جدید- مطرح کردن نظرات جدید- تأکید بر نظرات خود
	اقدام بدون توجه به عواقب کار و آینده نگری	مصرف دارو بدون نسخه پزشک- سوار کردن فرد ناشناس در بیرون شهر- انتخاب رشته بدون در نظر گرفتن شغل آینده- ازدواج در هر شرایط

متغیرهای مستقل عبارت اند از: ارتباط همسالان با یک دیگر، ارتباط والدین با فرزندان، جنسیت و طبقه اجتماعی. تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل ارتباط با همسالان و والدین به صورت زیر مورد توجه قرار گرفته است:

جدول شماره ۵- تعریف عملیاتی ارتباط دانشجویان با همسالان

ارتباط با همسالان	ابعاد	معرف ها
ارتباط با همسالان	توجه و اهمیت	بازگو کردن اسرار برای دوستان - احترام دوستان به احساسات فرد
	همدلی	آگاه شدن دوستان از نگرانی های فرد - راحت بودن در گفتگو با دوستان- تحمل دوستان در زمان عصبانیت
	تعلق	تماس مستمر با دوستان- اولویت دادن به دوستان

جدول شماره ۶- تعریف عملیاتی ارتباط والدین با فرزندان

ارتباط با والدین	ابعاد	معرف ها
ارتباط با والدین	توجه و اهمیت	نظرخواهی والدین از فرزند- گوش دادن والدین به فرزند
	پرخاشگری	داد زدن والدین بر سر فرزند - تهدید و آزار فرزند توسط والدین
	همدلی	شوخی کردن با والدین- ابراز احساسات برای والدین
	همکاری	یاری رساندن در امور مهم- انجام خواسته های فرزند از والدین

آزمون فرضیه‌ها-فرضیه ۱: بین خطرپذیری دانشجویان و ارتباط با همسالان، همبستگی وجود دارد. با در نظر گرفتن این فرضیه به صورت فرضیه صفر، عکس آن فرضیه مخالف خواهد بود. نتایج حاصل از تحلیل

آماري داده‌های پرسشنامه به منظور آزمون فرضیه صفر با استفاده از ضریب پیرسون در جدول شماره ۷ بیان شده است.

جدول شماره ۷- نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه اول

نتیجه آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	سطح خطا	سطح معنی داری	ضریب پیرسون محاسبه شده
عدم امکان رد H_0	خطرپذیری دانشجویان	ارتباط با همسالان	۱٪	۰/۰۶۸	۰/۴۵۲

نمی‌توان رد نمود. به عبارت دیگر، با سطح خطای ۱ درصد می‌توان گفت که داده‌های نمونه تصادفی مطالعه شده، دلالت کافی بر وجود همبستگی منفی بین ارتباط والدین با فرزندان از یک طرف و خطرپذیری دانشجویان از طرف دیگر، دارد (علامت منفی نشانگر معکوس بودن رابطه بین این دو متغیر است).

درواقع، هر چه ارتباط دانشجو با والدین بیشتر باشد، خطرپذیری آنان کمتر خواهد بود و برعکس. در این جا می‌توان با احتیاط استنتاج نمود که رابطه دوستانه والدین با فرزندان باعث می‌شود که دانشجویان کمتر تحت تأثیر همسالان قرار گیرند، از این رو، محتملاً میل به خطرپذیری آنان نیز کاهش می‌یابد، زیرا خانواده به عنوان تکیه‌گاه جوانان نیازی به هم‌سویی و تأیید اجتماعی دوستان باقی نخواهد گذاشت.

به دلیل این که سطح معنی داری از سطح خطای مورد نظر بزرگتر است، فرضیه H_1 رد می‌شود، درحالی که فرضیه صفر را نمی‌توان رد نمود. به عبارت دیگر، با سطح خطای ۱ درصد می‌توان استنباط کرد که داده‌های نمونه تصادفی مطالعه شده، دلالت کافی بر رد وجود همبستگی بین همسالان و خطرپذیری دانشجویان ندارند. هم‌چنین، بادر نظر گرفتن مفهوم همبستگی، ارتباط با همسالان، به معنی رخداد خطرپذیری بیشتر دانشجویان خواهد بود.

فرضیه ۲: بین خطرپذیری دانشجویان و ارتباط با والدین همبستگی وجود دارد. با در نظر گرفتن این فرضیه به صورت فرضیه صفر، عکس آن فرضیه مخالف خواهد بود.

نتایج حاصل از تحلیل آماری داده‌های پرسشنامه به منظور آزمون فرضیه صفر با استفاده از ضریب پیرسون در جدول شماره ۸ بیان شده است.

با توجه به این که سطح معنی داری از سطح خطا بزرگتر است، فرضیه H_1 رد می‌شود، درحالی که فرضیه صفر را

جدول شماره ۸- نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه دوم

نتیجه آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل	سطح خطا	سطح معنی داری	ضریب پیرسون محاسبه شده
عدم امکان رد H_0	خطرپذیری	ارتباط با والدین	٪۱	۰/۰۷۲	-۰/۴۱۲

فرضیه ۳: خطرپذیری دانشجویان دختر و پسر یکسان است.

$$H_0 : \mu_1 = \mu_2$$

$$H_1 : \mu_1 \neq \mu_2$$

آماره داده های پرسشنامه با استفاده از مقایسه میانگین در جدول شماره ۹ بیان شده است.

به منظور آزمون فرضیه ۳ در یکسان بودن خطرپذیری دانشجویان دختر و پسر، فرضیه صفر و فرضیه مخالف آن را به صورت بالا تنظیم می کنیم. نتایج حاصل از تحلیل

جدول شماره ۹- مقایسه میانگین آزمودنی ها به تفکیک جنسیت

جنس	میانگین وزنی	انحراف معیار	آماره t	تعداد	سطح معنی دارد	سطح خطا
مرد	۱۱۶/۷۱	۳۶/۲۳۵	۱/۷۹۱	۱۷۵	۰/۰۰۸	۰/۰۱
زن	۹۴/۹۱	۷/۵۳۸		۲۱۴		

آماره t محاسبه شده در نمونه تصادفی، از t جدول در سطح معنی داری ۰/۰۱ بزرگتر است، بنابراین فرضیه H_0 رد می شود ولی فرض مخالف آن را نمی توان رد نمود. در واقع، این امر نشان می دهد که خطرپذیری دانشجویان دختر و پسر به استناد داده های این مقاله یکسان نیست. به عبارت دیگر، میانگین مورد محاسبه برای دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است، پس میزان خطرپذیری پسران بیش از دختران است. در مطالعه حاضر، دختران

احتمالا به دلیل ذهنیت ها و چارچوب هایی که جامعه برای رفتار آن ها قائل است و یا احتیاط ها و ارزیابی هایی که دختران در انجام رفتارهای اجتماعی معمولاً در نظر می گیرند، کمتر از پسران، به رفتارهای پرخطر گرایش دارند. فرضیه ۴: در این مورد به عنوان فرضیه صفر، فرضیه "بین خطر پذیری دانشجویان از لحاظ طبقه اجتماعی تفاوت معنی داری وجود ندارد"، درمقابل فرضیه مخالف آن بررسی خواهد شد.

آماره t محاسبه شده در نمونه تصادفی، از t جدول در سطح معنی داری ۰/۰۱ بزرگتر است، بنابراین فرضیه H_0 رد می شود ولی فرض مخالف آن را نمی توان رد نمود. در واقع، این امر نشان می دهد که خطرپذیری دانشجویان دختر و پسر به استناد داده های این مقاله یکسان نیست. به عبارت دیگر، میانگین مورد محاسبه برای دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است، پس میزان خطرپذیری پسران بیش از دختران است. در مطالعه حاضر، دختران

جدول شماره ۱۰- تحلیل واریانس (ANOVA)

P_value	آماره F	MS	D.F	SS	
۰/۷۳۹	۰/۳۰۳	۴۵/۱۳۵	۲	۹۰/۲۷	بین گروهها
		۱۴۸/۸۶۹	۳۸۳	۵۷۰۱۶/۷۳۸	درون گروهها
			۳۸۵	۵۷۱۰۷/۰۰۸	کل

بررسی میانگین ریسک پذیری

با توجه به داده های بدست آمده در نمونه تصادفی و با ۹۵ درصد اطمینان می توان گفت که میانگین ریسک پذیری دانشجویان بین ۲/۸۴ و ۲/۹۱ است که به این ترتیب با حداکثر رقم ۴ قابل مقایسه خواهد بود. به عبارت دیگر، میزان ریسک پذیری دانشجویان از سطح متوسط بیشتر است. میانگین ریسک پذیری دانشجویان به تفکیک دانشگاه محل تحصیل در جدول شماره ۱۱ قابل مشاهده است.

همان طور که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می شود، مقدار $P_value=0/739$ بزرگتر از $\alpha=0/05$ است، با استفاده از مفاهیم آمار ریاضی، در این مورد می توان نتیجه گرفت که با اطلاعات مزبور امکان رد فرضیه صفر وجود ندارد. به عبارت دیگر، از آن جا که آماره مورد محاسبه $F=0/303$ کوچک تر از مقدار آن در جدول یعنی $F(2,383)=3/83$ است، بنابراین، در مطالعه دانشجویان مورد نظر، بین طبقات اجتماعی از لحاظ ریسک پذیری تفاوت معنی داری دیده نمی شود.

جدول شماره ۱۱- میانگین ریسک پذیری دانشجویان به تفکیک دانشگاه محل تحصیل

فاصله میانگین با ۹۵٪ در صد اطمینان		
حد بالا	حد پایین	نام دانشگاه
۲/۹۴	۲/۸۱	پیام نور
۳/۰۱	۲/۸۱	علوم پزشکی
۲/۹۲	۲/۸۰	آزاد اسلامی
۳/۲۸	۲/۵۲	علمی کاربردی
۲/۹۳	۲/۸۰	دانشگاه ایلام
۲/۹۱	۲/۸۴	کل

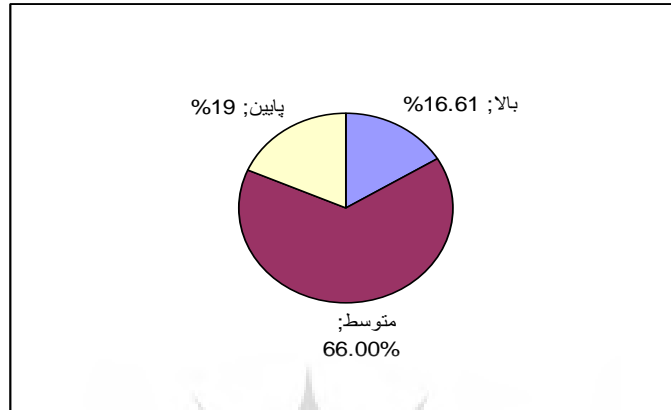
یافته ها و نتایج تحقیق

در این بخش اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد تا در خصوص فرضیه ها و پرسش های مطرح شده به نتیجه گیری آماری پردازیم. ولی از

آن جا که داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شده اند بی مناسبت نیست که پیش از ارائه نتایج آزمون های آماری در مورد فرضیه ها، ابتدا به توصیف آماری داده های حاصل از پرسشنامه پردازیم. به منظور

توصیف داده های پرسشنامه در نمونه تصادفی، از نسبت ها و شاخص هایی مانند درصد و میانگین استفاده نموده ایم و در سطح آمار استنباطی، آزمون های مقایسه میانگین

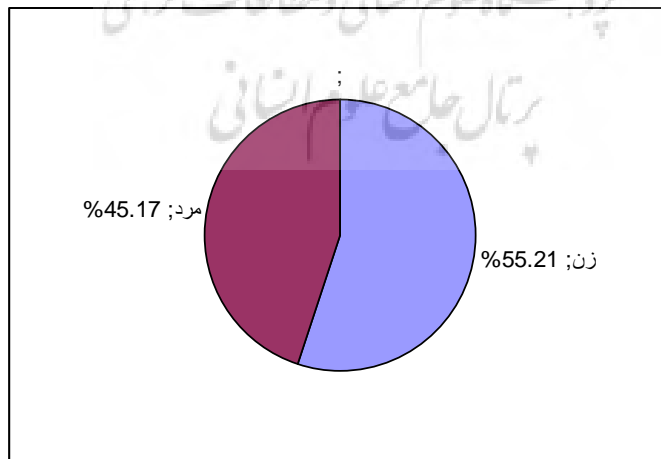
ها و تحلیل واریانس برای بررسی رابطه بین متغیرهای مورد نظر، محاسبه گردیده اند.



نمودار ۱- تعداد دانشجویان مورد مطالعه در هر طبقه اجتماعی

همان طوری که در نمودار ۱ ملاحظه می شود، در نمونه تصادفی مورد مطالعه، از نظر طبقه اجتماعی دانشجویان مورد مطالعه، تعداد ۷۰ نفر یا در واقع به نسبت تقریباً ۱۸/۴ درصد در طبقه پایین؛ تعداد ۲۵۵ نفر (۶۵/۶ درصد) در طبقه متوسط و تعداد ۶۱ نفر یعنی تقریباً ۱۶ درصد پاسخ دهندگان در طبقه بالا قرار داشته اند که بیشترین تعداد

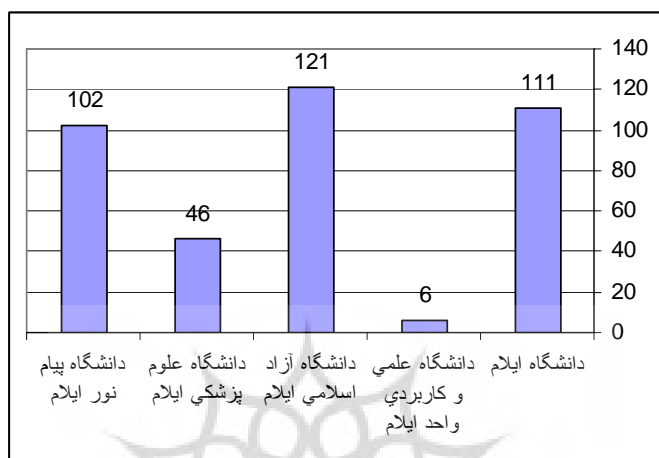
مربوط به طبقه متوسط است که حتی از بین آنان، ۸۴ درصد متوسط رو به بالا بوده اند. در نمودار ۲، تعداد و درصد پاسخ دهندگان بر حسب جنسیت نشان داده شده که از بین تعداد ۳۸۶ نفر پاسخ دهندگان، ۱۷۳ نفر (۴۵ درصد) را مردان و ۲۱۳ نفر (تقریباً ۵۵ درصد) را زنان تشکیل می دهند.



نمودار ۲- تعداد و درصد پاسخ دهندگان بر حسب جنسیت

در نمودار ۳، مشاهده می‌شود که در نمونه آماری انتخاب شده، تعداد ۱۱۱ نفر از آزمودنی‌ها در دانشگاه ایلام، ۶ نفر در دانشگاه جامع علمی و کاربردی، ۱۲۱ نفر در دانشگاه

آزاد اسلامی، ۴۶ نفر در دانشگاه علوم پزشکی و ۱۰۲ نفر در دانشگاه پیام نور مشغول به تحصیل بوده‌اند.



نمودار ۳- تعداد پاسخ‌دهندگان بر حسب دانشگاه محل تحصیل

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها و مقایسه با سایر مطالعات

همان‌طور که در بخش قبلی مقاله ملاحظه شد، در مورد فرضیه اول یافته‌های مطالعه نشان داد که بین ارتباط دانشجویان با همسالان و ریسک‌پذیری همبستگی مثبتی وجود دارد. یعنی هرچه ارتباط با همسالان بیشتر شود، ریسک‌پذیری افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی متغیرهای یادشده ۸۷ درصد بدست آمد. نتایج حاصل از این تحقیق با نتایج بدست آمده در تحقیقات اشاره شده همخوانی دارد.

بیل و همکاران در سال ۲۰۰۱ دریافتند که تأثیر اجتماعی همسالان روی رفتارهای خطرناک و پرخطر جوانان بسیار زیاد است.

بررسی برادلی و وایلدمن در سال ۲۰۰۲ نشان داد که بین فشارهای دوستان و انجام رفتارهای پرخطر مثل رانندگی خطرناک، اعتیاد و روابط جنسی جوانان، ارتباط وجود دارد.

ویتزمن و همکاران در سال ۲۰۰۳ به این نتیجه رسیدند که آن دسته از دانشجویانی که در مصرف مشروبات الکلی افراط می‌کنند به منظور هم‌رنگ شدن با دوستان خود این عمل را انجام می‌دهند.

بنابراین، با استفاده از مجموع نتایج تحقیقات، می‌توان اذعان داشت که همسالان و هم‌رنگ شدن با آنان تأثیر بسزایی در رفتارهای پرخطر دانشجویان دارد، زیرا فرد در این برهه از زمان در وضعیتی قرار دارد که احساس استقلال بیشتری می‌کند و از وابستگی‌هایش به خانواده کاسته می‌شود و از آن‌جا که ساعات بیشتری را با

همسالانش می گذرانند لذا تأثیرپذیری وی نیز از آنان بیشتر خواهد شد.

درمورد فرضیه دوم نتایج این تحقیق نشان داد که بین ریسک پذیری دانشجویان و ارتباط با والدین همبستگی منفی وجود دارد؛ یعنی هر چه ارتباط والدین با دانشجو بیشتر شود خطرپذیری آنان کاهش می یابد و برعکس. در نمونه مورد مطالعه ضریب همبستگی $0/82-$ بدست آمد. ولی در این خصوص نیز لازم است به نتایج حاصل از تحقیقات قبلی اشاره کنیم.

آری و همکاران در سال ۱۹۹۹ دریافتند که تضاد بین والدین و فرزندان بر ارتکاب جوانان به رفتارهای پرخطر و ضداجتماعی تأثیر می گذارد.

آری و اسمال کووسکی در مطالعه دیگری در سال ۱۹۹۹ دریافتند که تضاد والدین و ارتباط کم آن ها با فرزندان با انجام رفتارهای پرخطر توسط فرزندان رابطه دارد.

هیونبر و هاوول در تحقیق خود در سال ۲۰۰۳ به این نتیجه رسیدند که هر چه میزان نظارت خانواده بر فرزندان بیشتر باشد، سطح رفتارهای پرخطر آنان کمتر است. پس، از مطالعات مزبور می توان نتیجه گرفت که خانواده و ارتباط صمیمانه اعضای آن با یک دیگر باعث می شود جوانان نیازها و خواسته هایشان را در کنار والدین و با همفکری آنان پیگیری کنند و احتمالاً محیط گرم خانواده مانع از آن خواهد شد که جوانان به دنبال کسب وجهه در میان دوستان و با هم رنگ شدن با آنان دست به رفتارهای پرخطر بزنند.

درمورد فرضیه سوم یافته های این تحقیق نشان داد که درنمونه مورد مطالعه بین خطرپذیری دانشجویان دختر و پسر تفاوت زیادی وجود دارد. در این خصوص به منظور مقایسه نتایج حاصل از تحقیقات قبلی می توان تاکید

نمود که نتایج آن ها یافته های این تحقیق را مورد تأیید قرار می دهند. در این جا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

لیز کوک در مطالعات خود دریافت که تعداد مردانی که رفتارهای پرخطر انجام می دهند بیشتر از زنان است.

در تحقیقی که در داخل کشور "علی نظری" در سال ۱۳۷۸ انجام داد، دریافت که دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر خطرپذیراند. بنابراین احتمالاً این امر قابل استنتاج است که در جامعه کنونی با توجه به چارچوب های ذهنی خاصی که برای جنس مؤنث قائل هستند، و با توجه به محتاط بودن دختران در انجام رفتارهای اجتماعی، میزان ریسک پذیری آنان نسبت به پسران کمتر است.

طبقه اجتماعی موضوع آزمون فرضیه چهارم بود که در این مورد یافته های این تحقیق نشان داد که بین خطرپذیری دانشجویانی که به طبقات مختلف اجتماعی تعلق داشتند درنمونه تصادفی مطالعه شده، تفاوتی مشاهده نشد. به عبارت دیگر، طبقه اجتماعی عامل موثری در خطرپذیری دانشجویان محسوب نمی شود. این نتیجه با یافته های سایر تحقیقات متفاوت است که نتایج آن بر تاثیر طبقه اجتماعی در رفتار پرخطر تأکید می کنند.

در بررسی میزان ریسک پذیری دانشجویان، اطلاعات بدست آمده نشان می دهد که میانگین ریسک پذیری دانشجویان در تمام دانشگاه های محل تحصیل از سطح متوسط بالاتر است.

پیشنهاد و توصیه ها

-بخش قابل توجهی از مشکلات خانواده ها در تربیت جوانان و رشد و شکوفایی استعداد آنان به موضوع

چگونگی ارتباط والدین با فرزندان مربوط می‌شود. با استفاده از نتایج این مقاله که نشان داد ارتباط دانشجویان با همسالان بر میزان خطرپذیری آنان مؤثر است، توصیه می‌شود که والدین در انتخاب دوست به فرزندان خود کمک کنند. از آن گذشته، با نظارت بر چگونگی ارتباط بین فرزندان با همسالان خود، خانواده‌ها خواهند توانست موضوع برقراری ایجاد یک رابطه دوستی با فرزندان خود را تجربه کنند یا دست کم به منظور ایجاد نوعی شرائط قابل تحمل برای جوانان در محیط خانواده و کاهش تنش و تضاد بین خود و فرزندان خود بکوشند.

-تأثیر پذیری منفی از همسالان معمولاً به دلیل نداشتن هدف‌های روشن در زندگی یا ایده‌های سطحی و متغیر جوانان است که گاهی حتی موجب انحراف آنان خواهد شد. چنانچه والدین برای فعالیت‌های آتی خود طبق برنامه عمل کنند، فرزندان نیز تشویق خواهند شد با دنبال کردن هدف‌های معین در زندگی خود طبق برنامه‌های تدوین شده اقدام کنند تا به دلیل فقدان هدف، در جستجوی ارضای خواسته‌های گذران و موقتی یا جلب توجه دیگران و با متابعت از دوستان و همسالان در مسیرهای نادرست قرار نگیرند.

-یکی از نتایج این مقاله در مورد وجود تفاوت بین میزان ریسک‌پذیری دختران و پسران دانشجویان است. با در نظر گرفتن عوامل مؤثر در ریسک‌پذیری و تفاوت در رفتار دختران و پسران، باید تأکید نمود که اعمال نوع تربیت در نهاد خانواده یا سایر نهادهای اجتماعی علت اصلی آن است. به نظر می‌رسد که با آموزش صحیح و بنیانی و تغییر تدریجی نهادهای اجتماعی، خانواده‌ها با پذیرش تغییر مثبت و سازنده، فشارهای روانی و اجتماعی کمتری تحمل

خواهند کرد و نیز امکان کاهش انحرافات و خطرپذیری جوانان فراهم خواهد شد.

-با آموزش و ترغیب جوانان به تنظیم برنامه برای فعالیت‌های آتی خود و ضرورت گذران اوقات فراغت و تفریح در فعالیت‌های جمعی و سازنده و توجه به نیازهای روحی و جسمی آنان، و تدوین برنامه‌های آموزشی برای دانشجویان در خصوص رفتارهای پرخطر و تبعات آن‌ها و نیز تخلیه سازنده انرژی جوانان در صرف وقت برای برنامه‌های پرتحرک و از همه مهم‌تر، با به رسمیت شناختن و سازمان‌دهی بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های مورد علاقه جوانان در نهادهای قانونی کشور، می‌توان از شدت خسارت‌ها و مضایعات مربوط به ریسک‌پذیری جوانان کاست.

منابع

- استفانی، گرت (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتابیون بقایی، نشر دیگر، تهران.
- استونر و فری من (۱۳۷۵) مدیریت، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، جلد دوم، تهران.
- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲) تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه رجب زاده و همکاران، نشر سفیر، تهران.
- اسماعیلی، رضا، ۱۳۸۰، فرهنگ و فاصله نسلی در شهر اصفهان، فرهنگ اصفهان، بهار، شماره ۱۹
- تایپا، کلود (۱۳۷۹) درآمدی بر روان‌شناختی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، نشر نی، تهران.
- دلاور، علی (۱۳۷۴) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، چاپ اول، انتشارات رشد، تهران.
- ربانی، رسول (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جوانان، نشر آوای نور، تهران.

- وربر، ماکس (۱۳۶۸) مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، نشر مرکز، چاپ دوم، تهران.
- اباذری، یوسف وحسن چاوشیان، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، پاییز وزمستان ۱۳۸۱، شماره ۳، ۲۰-۲۷.
- شهابی، محمود، جهانی شدن جوانی، خرده فرهنگ‌های جوانان در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات جوانان، ۱۳۸۲، شماره ۵.
- ماهر، فرهاد؛ رفتارهای پرخطر در اوقات فراغت جوانان، روندها و الگوها؛ فصلنامه مطالعات جوانان، بهار ۱۳۸۳، شماره ۶، صفحات ۱۴۴-۱۱۸.
- Arnett, J. J. (1998), Risk behavior and family role transitions during the twenties, *Journal of Youth and Adolescence*, 27, 301-320.
- Bandura (1977), *Social Learning Theory* : Prentice – Hall.
- Berndt, T. J. (2002), Friendship Quality and Social Development, *Current directions in psychological science*, 11 (2), 7-11.
- Beyth, Marom, R., Austin, L., Fischhoff, B., Palmgren, C, & Jacobs- Quadrel, M.(1993), Perceived Consequences of Risky Behaviors: Adults and Adolescents. *Developmental psychology*, 29(3), 549-563.
- Bradley, G., & Wildman, K., (2002) Psychosocial predictors of emerging adults' risk and reckless behaviors, *Journal of Youth and Adolescence*, 31,253-265.
- Bronfenbrenner, U., & Morris, P.A., (1998b), The Ecology of Development Process, in R.M. Lerner (Ed), *Theoretical Models of Human Development, Handbook of Child Psychology, Volume 1, (5th ed.)*, pp. 993-1028, New York
- Damondaran, A., (2000), *Models of Risk and Return*; www.stern.nyu.edu/~adamoder/pdfil0s/ovhds/projsumm.pdf.
- Doherty, E. A, Appel, M. A, & Murphy, C. E. (2004, March). Risk-Taking Behavior in College
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲) سنجش گرایش روستائیان به جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، چاپ اول، تهران.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۴) کند و کاوها و پنداشته‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
- ریزمن، لئونارد و ماریانوف (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، ترجمه محمد قلی پور، نشر آوای کلک، مشهد.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰) روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد ۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان، والهه حجازی (۱۳۷۹) روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگاه، تهران.
- سووه، توماس (۱۳۵۴) فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی، ترجمه آزاده، نشر مازیار، تهران.
- شفرز، برنهارد (۱۳۸۳) مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت اله راسخ، نشر نی، تهران.
- علی نظری، نبی اله (۱۳۷۸)، بررسی میزان خطر پذیری در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، پژوهشگری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- فرای، هولده، مشیائلا فون (۱۳۷۹) جوانان در جهان متغیر، ترجمه شورای عالی جوانان، اسپید، تهران.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۳) روان‌شناسی اجتماعی در آموزش و پرورش، چاپ اول، نشر ویرایش، تهران.
- لیز کوک (۱۳۸۴) سبک‌های رهبری مدیران زن و مرد، ترجمه مهدی ایران نژاد پاریزی، نشر مدیران، تهران.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰) راهنمایی سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، چاپ اول، نشر نی، تهران.
- نیکزاد، محمود (۱۳۸۴) روانشناسی، نشر کیهان، تهران.

693.

Moore, S. & Parsons, J., (2000), A research agenda for adolescent risk- taking: where do we go from here? *Journal of adolescence*, 23, 371-376.

Muuss, R. E. (1996). *Theories of Adolescence: Sixth Edition*. New York: McGraw Hill.

Muuss, R.E, & Proton, H.D., (1998). Increasing risk behaviour among adolescents. in R.E. Muuss, & H.D. Proton (Eds.), *Adolescent Behavior and Society: A book of reading* (pp.422-443), New York: Prentice-Hill

Oetting, E.R., & Beauvais, F. (1987). Peer cluster theory, socialization characteristics and adolescent drug use: A path analysis. *Journal of Counseling Psychology* 34(2), 205-231.

Perry, C., & Jessor, R. (1985). The concept of health promotion and the prevention of adolescent drug abuse. *Health Education Quarterly*, 12, 169-184.

Ryan, R.M., R Deci, E.L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic Motivation, social development, and Well-being *American psychologist*, 55, 68-78.

Savin- Williams, R. C., & Berndt, T. J. (1990). Friendship and peer relations. In S. S. Feldman & G. R. Elliott (Eds.), *At the threshold: The developing adolescent* (pp. 277-307). Cambridge, MA: Harvard University Press.

Steinberg, L. (2002). Clinical adolescent psychology: What it is, and what it needs to be. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 70 (1), 124-128.

Steinberg, L. (2003). Is decision making the right framework for research on adolescent risk taking (pp. 18-24). In D. Roemer (Ed.), *Reducing adolescent risk: Towards an integrated approach*. London: Sage Publishing.

Vivienne. E.C., (2000), *Sociology for social workers and probation officers*, London and New York.

Students as a Function of Personality, Social, and Cognitive Variables, Poster presented at the meeting of the American Psychosomatic Society, Orlando, Fl.

Douglas K. A, Collins, J. L., Warren, C., Kann, L., Gold, R., Clayton, S., Ross, J. G., & Kolbe, L. J. (1997), Results from the 1995 National College Health Risk Behavior Survey, *Journal of American College Health*, 46, 55-66.

Donovan, J. E. & Jessor, R. (1985), Structure of problem behavior in adolescence and young adulthood. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 53, 890-904.

Donovan, E., & Adelson, J. (1966), *The adolescent experience*. New York: Wiley.

Furby, L., & Beyth-Marom, R (1992). Risk taking in adolescence: A decision-making perspective. *Developmental Review*, 12, 1-44.

Goldberg, J.H Halpern Fisher, B. L & Millstein, S.G. (2002). Beyond invulnerability: The importance of benefits in adolescents decision to drink alcohol. *Health psychology*, 21, 477-484.

Irwin, C. E., & Millstein, S. G. (1986). Biopsychosocial correlates of risk-taking behaviors during adolescence: Can the physician intervene? *Journal of Adolescent Health Care*, 7 (suppl), 82-96.

Irwin, C. E., & Millstein S. G. (1991). Correlates and predictors of risk-taking behavior during adolescence. In L. P. Lipsitt & L. L. Mitnick (Ed.). *Self-regulatory behavior and risk taking: Causes and consequences* (pp. 3-39). New Jersey: Ablex Publishing.

Keren, M. & Hasida, B., (2007), Risk-taking among adolescents: Association with social and affective factors. *Journal of adolescent ce*, 1-14

Langer, L. M. (1996). Modeling adolescent health behavior: The pre-adult health decision-making model. *Intervening with drug involved youth*. CA: Sage.

Larson, R. & Csikszentmihalyi, M. (1978). Experiential correlates of time alone in adolescence. *Journal of Personality*, 46 (4), 677-